

گابنامہ الکترونیکی ہدایت

شماره ۸

یوم اللہ ۹ دی

نقش ولایت و مردم در خنثی نمودن فتنہ ہا

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیہ در سازمان بسیج

دی ماہ ۱۳۹۶

به نام خدا

انقلاب اسلامی ایران از روزهای آغاز نهضت در سال ۱۳۴۲ تا کنون، فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است. این کشتی توفنده در جهان متلاطم معاصر، گاهی با چنان امواج سهمگینی مواجه شده است که بسیاری از کشورها و قدرت های بزرگ دنیا، اگر با چنین امواجی مواجه شوند، دوام نخواهند آورد. امواجی که گاهی یکی از آنها توان سرنگون کردن یک حکومت ریشه دار را داراست. اما با عنایات حضرت حق عزّ و جلّ و ادعیه زاکیه ولی عصر(عج) و رهبری داهیانه امام خمینی (ره) و امام خامنه ای (مدظله العالی)، کشتی توفنده و بالنده انقلاب اسلامی این امواج سهمگین را از سر گذارنده و همچنان و ان شاء الله تا ظهور حضرت صاحب العصر و الزمان(ع) و سیطره عدل مهدوی(ع) که مظهر اتم عدل الهی است، خواهد خروشید و به پیش خواهد رفت. یکی از این امواج سهمگین که دشمنان خارجی و مزدوران داخلی با تمام وجود به آن چشم دوخته بودند و بر نیازدگی و بی بصیرتی خواص سوار شده و تا چند قدمی اهداف شوم خود رسیدند، فتنه سال ۱۳۸۸ بود.

این فتنه که با برنامه ریزی سرویس های جاسوسی استکبار جهانی و در راس آن آمریکای جهانخوار و صهیونیسم بی منطق و مرتجعان دیکتاتور و کودک کش منطقه و قلم به مزدان داخلی، طراحی شده بود، قصد داشت تا با برنامه های از قبل طراحی شده و پیش بینی شده، در قالب اعتراض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، بار دیگر تلاش خود را جهت براندازی و تغییر ماهوی نظام جمهوری اسلامی به کار بندد. آنان هرچند بر امواج برخاسته از فتنه و واژدگی انقلابیون سابق و مدعیان دیروز و ادعای تقلب در انتخابات از سوی برخی از کاندیدها و هواداران کلیدی شان، سوار شدند اما به برکات عنایات خاصه و ادعیه زاکیه امام عصر ارواحنا فداه و درایت امام خامنه ای و حضور به موقع مردم، این فتنه بسیار بزرگ دفع شد و یوم الله نهم دی در تقویم انقلاب اسلامی ماندگار گشت. هدف از نوشتن این مقاله، چیزی نیست جز نگاهی تحلیلی - تاریخی به یوم الله ۹ دی، با رویکردی تاریخی و بازخوانی نقش بی بدیل امام خامنه ای (مدظله العالی) و حضور به موقع مردم در دفع این موج بسیار خطرناک.

یوم الله ۹ دی

یوم الله چیست؟ یوم الله یعنی روز خدا و ایام الله یعنی روزهای خدایی؛ حال ممکن است که خواننده بپرسد که همه روزها روز خداست پس یوم الله به چه معنا است؟ در پاسخ به این سؤال بایستی ابتدا معنای این واژه را در قرآن بررسی کرد. واژه ایام الله دوبار در قرآن آمده است:

۱. سوره ابراهیم، آیه ۵: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵)» و در حقیقت موسی را با آیات خود فرستادیم [او به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعا در این [یادآوری] برای هر شکیبای سپاس گزاری عبرتهاست.»

۲. سوره جاثیه، آیه ۱۴: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)» به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند درگذرند تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند»

حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله تعالی در این خصوص می نویسد:

«کارگردان اصلی جهان که دولت‌ها را جابه‌جا می‌کند، فقط خداست؛ اما همان‌طور که هر موجودی، هرچند بسیار ریز و ضعیف، آیت خداست لیکن عنوان «آیت الهی» درباره اعجاز، کرامت و نظیر آن‌ها به کار می‌رود، عنوان «یوم الله» نیز این چنین است؛ یعنی هر حادثه‌ای مظهر قدرت خداست؛ لیکن رخدادهای مهم که در آن حق، پیروز و باطل شکست خورد، به نام «ایام الله» مطرح‌اند؛ مانند روز پیروزی موسی کلیم (علیه السلام) بر فرعون که در آن حق پیروز شده و باطل از بین رفته و از این رو خداوند سبحان آن را «یوم الله» خوانده و به رسول خود فرمان داده است که ایام الله را به مردم یادآور شود: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ...» (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۵، ص ۶۲۹)

در امالی طوسی روایتی نقل شده است که ایام الله را به ایام نعمت‌ها و بلاهای الهی معرفی کرده است ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَيَّامُ اللَّهِ نِعْمَاؤُهُ، وَبَلَاؤُهُ مَثَلَاتُهُ سُبْحَانَهُ. (امالی طوسی/ ص ۴۹۰/ چاپ دار الثقافة سال ۱۴۱۴ قمری، قم) و نیز در روایات دیگری، روز قیام حضرت حجت بن الحسن (عج)، روز رجعت و روز قیامت

به عنوان ایام الله معرفی شده است: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ ع، وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ، وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (مختصر البصائر/حلی، حسن بن سلیمان بن محمد/ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی / ۱۴۲۱.ق/قم). اما با توجه به روح حاکم بر دو آیه سابق، و نیز با توجه به ماهیت این سه روزی که در روایت ذکر شده است، بسیار روشن است که «ایام الله» یعنی روزی که قهر خدا ظهور کرده و بساط طغیانگران را در هم می‌پیچد. بنابر این ایام الله منحصر به این سه روز نیست بلکه هر روزی که قدرت الهی تجلی کند، ایام الله خواهد بود. مفسر بزرگ حضرت آیت الله جوادی در این خصوص می‌نویسد: «روایاتی ذیل این آیه آمده است که ایام الله «یوم الرجعة» و «یوم الظهور» و «یوم النشور» است؛ ولی لسان آنها حصر نیست، پس هر روزی که در آن قدرت حق ظهور می‌کند، از «ایام الله» است. موسای کلیم(علیه السلام) برای تأسیس حکومت اسلامی و مبارزه با هرگونه ستم موظف شد که مردم را به ایام الله متذکر کند، زیرا برای تأسیس حکومت، تذکره «ایام الله» لازم است». [بنیان مرصوص امام خمینی (ره) - صفحه ۲۷۱]

بر همین اساس است که امام خمینی از روزهای سرنوشت‌ساز در تاریخ جمهوری اسلامی ایران همچون ۲۲ بهمن، ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور و ۱۲ فروردین به عنوان «ایام الله» یاد می‌کرد و مقام معظم رهبری مد ظله العالی درست ده روز بعد از حماسه ۹ دی در سالگرد قیام ۱۹ دی در دیدار با مردم قم، ضمن تمجید این روز فرمودند: «هرچه انسان در اطراف این قضا یا [قیام ۹ دی] فکر می‌کند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را می‌بیند. این کارها، کارهایی نیست که با اراده امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست؛ این دست قدرت الهی است.»

یاد آوری و بزرگداشت ۹ دی چه ضرورتی دارد؟

در آیه شریفه « وَ ذَكَرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ » خداوند متعال می‌فرماید ای موسی اگر می‌خواهید که نورانیت جامعه تداوم داشته باشد و جامعه دوباره دچار طغیان و تاریکی جهل نگردد و ارزش‌های مادی حاکم نگردد، روزهای تجلی قدرت خدا را برای مردم یادآوری کن. دلیل این دستور از سوی خداوند سبحان به حضرت موسی دو چیز است:

نخست: گاهی وجود مشکلات و دشواری‌ها در روند زندگی و نیز دچار روزمرگی شدن باعث می‌شود که انسان نعمت‌های خدا و داشته‌های خود را فراموش کند. اینجاست که یادآوری ایام الله یعنی یاد آوری نعمت‌های پیدا

و پنهان خدا، یاد آوری دست خداست بر سر جامعه اسلامی؛ و یاد آوری نعمت موجب شکر نعمت می گردد و شکر نعمت موجب افزایش نعمت خواهد شد.

دوم: جامعه اسلامی برای رسیدن به جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی نیاز به وجود انگیزه و اعتماد به نفس و ایمان به مبانی خود دارد؛ جامعه اسلامی اگر بداند که هر جا برای خدا قیام کرده است، خدا یار و یاور آنان بوده است؛ و به این نکته ایمان داشته باشند، با عزمی راسخ تر و ثبات قدم بیشتر در مسیر تعالی گام خواهند داشت و یقیناً و به فضل الهی به آن خواهند رسید. یادآوری قدرت خدا و دست قدرت الهی در پیروزی پیامبران بر طواغیت، پیروزی مردم به رهبری امام راحل در انقلاب اسلامی، پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه های دفاع مقدس، پیروزی بر فتنه گران در فتنه پیچیده و چند لایه دشمنان داخلی و خارجی علیه کیان نظام اسلامی در سال ۸۸ که می توان آن را با جنگ احزاب مقایسه کرد، به جامعه اسلامی و مردم انقلابی که اصلی ترین سرمایه نظام اسلامی هستند، نیروی مضاعف خواهد بخشید. و برای حفظ و تداوم این نیرو، یادآوری و بزرگداشت یوم الله ۹ دی ضروری است. امام راحل (ره) در این راستا می فرمایند:

«تذکر به ایام الله که خداوند متعال به آن امر فرموده است، انسان ساز است. قضایایی که در ایام الله رخ داده است، برای تاریخ و انسان ها در طول تاریخ آموزنده و بیدارکننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعضی از آنها یاد کرده است، سرمشقی پربرکت برای ساختن جامعه ها و اشخاص و جامعه عصر ما است که عصر انقلاب است... و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ که باید آنها را ایام الله محسوب کنیم و به ذکر آنها و تذکر آن ایام بپردازیم.» (صحیفه نور، ۱۳۶۹ش، ج ۱۷، ص ۱۱).

بسترها و عوامل فتنه

از آنجا که قیام ۹ دی، پاسخ کوبندهی مردم انقلابی ایران اسلامی بود به تلاش های چند ساله دشمنان خارجی و فتنه گران و اغتشاشگران داخلی و برنامه ریزی های آنان به همراهی انقلابیون خسته ای و پشیمانی که برای براندازی اصل نظام جمهوری اسلامی، همگام و هم صدا شدند. لذا برای نگاهی دوباره به قیام شکوهمند ۹ دی، بایستی اشاره ای هر چند کوتاه به بسترها و عوامل فتنه داشته باشیم.

بسامد فتنه در قرآن

واژه فتنه، در ادبیات و فرهنگ اسلامی واژه‌ای پر دامنه، پر کاربرد و با بسامد است. این واژه و مشتقات آن بالغ بر ۴۶ بار در قرآن کریم استعمال شده است. واژه فتنه به تنهایی ۳۰ بار در قرآن استعمال شده است. بدون تردید در بین گناهان کبیره و بعد از شرک که قرآن از آن به ظلم عظیم یاد می‌کند؛ فتنه در ردیف بدترین گناهان قرار دارد. در توضیح مطلب فوق کافی است بدانیم که قتل یک انسان بی‌گناه که خود یکی از گناهان کبیره است از دیدگاه قرآن، برابر است با کشتن همه بشریت (مائده/۳۲) و بر این اساس اگر کسی انسان مؤمن و بی‌گناهی را به قتل برساند، عذاب جاودان و ابدی خواهد داشت. (نساء/۹۳) اما از دیدگاه اسلام و قرآن، فتنه به مراتب از کشتن یک انسان بی‌گناه بدتر و سخت‌تر است. در قرآن کریم در دو آیه به این نکته اشاره شده است: وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (بقره/ ۱۹۱) و نيز وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ (بقره/ ۲۱۷). دلیل سخت‌تر بودن و بدتر بودن فتنه از قتل و کشتار این است که اولاً در قتل ممکن است فقط یک نفر کشته شود، اما در فتنه چه بسا چنان دامنه و بسامدی پیدا کند که موجب کشتار هزاران نفر انسان بی‌گناه گردد. ثانیاً پیامدهای منفی فتنه بسیار بیشتر و بزرگتر از قتل است. طرح و اجرای یک فتنه اگر توأم با موفقیت شود، می‌تواند علاوه بر فتنه‌گران، فتنه زدگانه و مخاطبین فتنه را از صراط مستقیم منحرف و خسارت دنیوی و اخروی را به بار آورد؛ در حالی که قتل فقط موجب خسارت دنیوی میشود و انسان بی‌گناه مقتول، دچار خسران معنوی نخواهد گشت.

با این وجود، فتنه برای کسانی که در مواجهه با آن فریفته نشوند، و حق را گم نکنند، و از این آزمایش الهی سربلند بیرون آیند، موجب سعادت و کمال خواهد شد. از سوی دیگر فتنه‌ها موجب می‌شوند که ماهیت واقعی نفوذی‌ها، منافقین، انقلابیون پشیمان و خسته آشکار گردد. درست به همین دلیل است که در روایت آمده است: «لا تکرهوا الفتنه فی آخر الزمان فإِنَّهَا تُبیرُ المنافقین» از فتنه و آزمایش در آخر الزمان نگران نباشید چرا که موجب از بین رفتن و نابودی منافقان خواهد شد. (محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، حدیث: ۱۵۷۴۸) و نیز در روایتی دیگری آمده است: « تَمَنُوا الْفِتْنَةَ ففیهَا هلاک الجبایرة وطهارة الأرضِ مِنَ الْفَسَقَةِ » آرزو کنید فتنه رخ دهد، زیرا در فتنه‌ها ستمگران نابود می‌گردند و زمین از لوث وجود فاسقان پاک می‌گردد. (همان، حدیث: ۱۵۷۴۹) در فتنه سال ۸۸ هم که هدف از آن تغییر ماهوی در نظام اسلامی و یا حداقل تبدیل آن به نظامی مشروطه و قدرت بسیار

اندک رهبری بود، گرچه هزینه‌های سنگینی بر نظام و مردم تحمیل کرد و سبب شد که عده ای یاوران انقلاب به شهادت برسند، و شیرینی انتخابات بی نظیر سال ۸۸ در کام نظام و مردم تلخ گردد و فشارها و تحریم‌های خارجی و بد نام کردن نظام اسلامی را در پی داشت اما دست توطئه گران و منافقین برای مردم رو شد و موجب شد که نظام و معتقدین به آن، وحدت بیشتری پیدا کنند و دشمنان و ایادی آنان، مفتضح گردند.

اقسام فتنه

از منظر اسلامی و نیز عقل بشری، بحران‌های که برای جامعه رخ می دهد یا برای فرد اتفاق می‌افتد، از دو حال خارج نیست: یا منشاء بحران و تنگنا، سختی‌ها، کمبودها، فقر و فلاکت است؛ یا بحران‌های فردی و اجتماعی ناشی از رفاه و دنیا زدگی است. پیشوایان اسلامی فتنه‌های ناشی از رفاه و دنیا پرستی و تعصبات و وابستگی‌ها را بسیار دشوارتر از فتنه‌های ناشی از فقر و کمبود می دانند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «لأنا لفتنة السراء أخوف عليكم من الفتنة الضراء، إنكم إبتليتم بفتنة الضراء فصبرتم و إن الدنيا حلوة خضرة» به راستی من از فتنه خوشی برای شما بیمناک‌ترم تا فتنه سختی، شما به فتنه سختی درافتادید و صبر کردید، اما دنیا شیرین و فریبا است. (میزان الحکمه، ماده فتنه) در دورانی که پیامبر در مکه بودند و هنوز به مدینه هجرت نکرده بودند، سختی‌ها، کمبودها، شکنجه‌ها و تحریم‌ها زیاد بود؛ شعب ابی طالب، قطع ارتباطات و تعامل با دیگران و آزار و شکنجه تازه مسلمانان، آزمایش‌های بسیار سختی بودند؛ اما تقریباً تمام مسلمانان با صبر و شکیبائی از این آزمایش‌ها سربلند بیرون آمدند. اما در فتنه احد که دنیا در کام برخی از سربازان اسلام شیرین جلوه کرده بود، به طمع جمع آوری غنایم، کمین گاه را رها ساختند و موجب صدمه جبران ناپذیری بر پیکر اسلام شدند.

در دوران مبارزات انقلاب اسلامی، یاران امام خمینی (ره) سختی‌ها و مشقت‌های زیادی کشیدند. زندان، شکنجه و تبعید و فقدان آزادی را به خوبی تحمل کردند. در دوران دفاع مقدس که صدمات زیادی بر پیکر نظام اسلامی و مردم انقلابی و شهر و دیار ایران اسلامی وارد شد، باز صبر و تحمل‌ها بسیاز زیاد بود و همگی از این امتحان سربلند بیرون آمدند. اما رفاه زدگی، و دنیا گرایی در کام برخی از انقلابیون دیروز مزه کرده و فریفته شیرینی دنیا و جلوه‌های آن شدند؛ جلوه‌های مانند مال و منال، فرزندان و وابستگان، وابستگی‌های سیاسی مانند تعصبات حزبی، پست و مقام، شهرت و... که همه ناشی از دوران رفاه و آسایش اند، موجب شد تا پای برخی از انقلابیون دیروز

بلغزد و برخی ریزش کنند. به راستی فتنه‌ها در چه بستری به وجود می‌آیند؟ عوامل فتنه انگیزی چیست؟ بستر و عامل یا عوامل فتنه ۸۸ چه بود؟

بستر فتنه و عوامل فتنه انگیز

هر فتنه‌ای می‌تواند فردی یا اجتماعی، سیاسی یا نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی باشد. در فتنه‌های بزرگ، فتنه نسخه‌ای پیچیده و با ابعادی گسترده و چند لایه خواهد بود. چنین فتنه‌های دارای بستر، عوامل (نرم افزاری و سخت افزاری)، روش و ابزار هستند. اگرچه مقاله کنونی ما در صدد بررسی فتنه و ریشه‌ها و روش و ابزار آن نیست، اما برای بازبینی رویداد بزرگ ۹ دی، بد نیست نگاهی به بسترها و عوامل فتنه انگیز داشته باشیم:

بستر فتنه: آنچه از آیات و روایات و بررسی‌های تاریخی بدست می‌آید این است که، فتنه‌ها عموماً در بسترو شرایط خاصی به وجود می‌آیند. این بحث، بسیار پر دامنه است و در اینجا فقط به برخی از بسترهای فتنه اشاره ای گذرا خواهیم داشت:

۱. کمبودها، نارسائی‌ها و تحریم .
۲. فساد و بی عدالتی در بهره‌مندی از امکانات مادی و معنوی.
۳. وجود طبقه اشراف، نجیب زادگان و آقا زادگان.
۴. انتخابات و دست به دست شدن قدرت.
۵. وجود رقابت ناسالم در جامعه (دو قطبی کردن جامعه).
۶. جامعه متشنج (با طرح شبههات دینی، سیاسی، ملی و تبلیغات مسموم و تریبون‌های ناآگاه یا مغرض و تبعیض میان افراد جامعه و ...)
۷. روابط ناسالم اداری و اقتصادی.
۸. نادانی و جهل مردم غفلت از دشمن شناسی (بی بصیرتی).
۹. حاکمیت ارزش‌های قومی، نژادی، حزبی به جای حاکمیت ارزش‌های الهی و عقلانی.

عوامل فتنه انگیز

اگر بستر اجتماعی نا سالم باشد، وجود عوامل فردی یا اجتماعی فتنه انگیز، مخصوصاً آنجا که عوامل فتنه در نخبگان و اقشار تاثیر گذار وجود داشته باشند، می تواند جرقه فتنه را زده و جامعه را با آتش فتنه مشتعل نماید. در یک رویکردی کلی، می توان عوامل فتنه را داشتن جهان بینی مادی نسبت به انسان و جهان و اعتقادات سست نسبت به مبدأ و معاد و در نتیجه گرایش‌ها و انگیزه‌های نادرست و نفسانی دانست که موجب می شوند افراد، در شرایط و بسترهای فتنه، تصمیم‌های فتنه انگیزانه اتخاذ نمایند و جامعه را به آشوب بکشانند. و صد البته اگر نگرش انسان الهی باشد و جهان و انسان را با معیارهای الهی ببیند و بر طبق آن معیارها رفتار نماید، امیال و گرایش‌های وی نیز از انحراف به دور بوده و قطعاً فتنه ای رخ نخواهد داد. و باز چه بسیاری کسانی که مدعی تفکر الهی و انسانی هستند، اما در میدان عمل چندان پایبند نبوده و دچار ریزش خواهند شد.

برخی از مهمترین عوامل ایجاد فتنه عبارت‌اند از:

۱. **خود خواهی:** خود خواهی و خود بزرگ بینی چه از سوی اشراف زاده‌گان و آقازاده‌ها و یا خواص جامعه رخ دهد یا از سوی اقشار مختلف مخصوصاً اقشار تاثیر گذار، موجب می شود که افراد در مقابل قوانین الهی و عقلانی مشروع و مقبول، سر تعظیم فرو نیاورند. قرآن کریم عامل طغیان فرعون و قارون و جالوت و... را از این سنخ می داند.
۲. **ریاست طلبی:** یکی از عوامل بسیار قوی و انگیزاننده است. بسیاری از فتنه‌های به وجود آمده در تاریخ اسلام، ناشی از ریاست طلبی افراد بوده است. عامل اصلی فتنه صفین و جنگ معاویه و جریان حکمیت، چیزی جز ریاست طلبی معاویه نبود.
۳. **ثروت اندوزی (مال اندوزی):** نیز عامل بسیار تاثیر گذاری است. ثروتمندان و زرمندانی که احساس کنند در بستر و شرایط فعلی جامعه، ممکن است اندوخته خود را از دست بدهند و یا به ثروت مد نظر خود نرسند، ممکن است برای این مقصود فتنه انگیزی کنند. حتی مساله بسیار

ساده تر از این است، بسیاری کسانى که حاضرند در برابر متاعى اندک، کيان سياسى، نظامى و فرهنگى یک جامعه را به خطر بياندازند.

خدا در قرآن کریم مى فرمايد: **إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ**: (همانا منحصرآموال و فرزندانان وسيله آزمائش شما هستند و اجر عظيم فقط در نزد خداست) (تغابن/ ۱۵) در همين راستا داستان قارون در قرآن آمده است: **إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (۷۶) وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷) قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (۷۸) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ** (قصص / ۷۶-۷۸) و البته در روايات آمده که قارون پسر عموى موسى عليه السلام و از هفتاد نفرى بود که موسى براى رفتن به طور انتخاب کرده بود، اما در مقابل درخواست زکات، در مقابل موسى ايستاد و زنى بدکاره را خريد تا به موسى عليه السلام تهمت بزند (تاريخ مدينه دمشق، ج ۶۱، ص ۹۴؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۵۰؛ تفسير الميزان، ج ۱۶، ص ۸۴)

۴. **ساده لوحى:** استفاده از عقل و خرد و دور انديشى، يکى از فضائل اخلاقى است. تاريخ اسلام شاهد موارد و تجاربى است که جبهه حق، از ساده لوحى فرماندهان خود ضربه خورده است. ضربه-اى که مسلمانان در جنگ احد متحمل شدند، بخش معظمى از آن مربوط به ساده لوحى و عدم دور انديشى برخى از سپاهيان اسلام بود. جريان حکميت، محصول ساده لوحى ابو موسى اشعري و فريب خوردن وى از عمرو عاص بود.

۵. **اولاد:** يکى ديگر از عوامل فتنه به تعبير قرآن در آينه ۱۵ سوره تغابن فرزندان انسان هست. نمونه بارز فتنه بودن پسر نوح است که فتنه بزرگى بود اما حضرت نوح عليه السلام از اين فتنه سر بلند بيرون آمد. و در تاريخ اسلام مى توان زبير را مثال زد که به خاطر فرزندش از اهل بيت عليهم السلام جدا گشت. اميرالمؤمنين عليه السلام درباره او فرمودند: **مَا زَالَ الزُّبَيْرُ رَجُلًا مِنَّا أَهْلًا**

الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ الْمَشْتُومَ عَبْدُ اللَّهِ. یعنی زبیر همواره مردی از ما اهل بیت بود تا آنکه پسر نافرخته‌اش عبد الله به جوانی رسید

ما زالَ الزُّبَيْرُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ الْمَشْتُومَ عَبْدُ اللَّهِ. [۱] زبیر، پیوسته از ما اهل بیت به شمار می آمد، تا زمانی که پسر شومش، عبد الله، بزرگ شد. ابن ابی الحدید، می نویسد: عبد الله، همانی است که زبیر را وادار به جنگ کرد و کسی است که رفتن عایشه را به بصره، برایش خوب جلوه داد. او مرد بددهن و آلوده ای بود و نسبت به بنی هاشم، کینه داشت. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۴ ص ۷۹).

۶. **دنیای طلبی:** دنیا طلبی مفهوم گسترده و عامی است و مصادیق بسیار متعدد دارد. رسول خدا

صلی الله علیه و آله می فرماید: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي، زهره دنیا و کثرتها، ترسناک ترین چیزی که از آن برای امت خود می ترسم زرق و برق دنیا و وفور متاع دنیا است. (میزان الحکمه/ امت) و نیز مولی الموحدین علیه السلام می فرماید: آگاه باشید که دوستی دنیا اساس همه گناهان، دروازه بلاها و مجمع هر فتنه ای است. امام صادق علیه السلام می فرماید: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا «(اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۵) ریشه همه بدی ها و خطاها، حب و دلبستگی به دنیا است. و نیز از امام سجاد علیه السلام روایت شده که: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ الدُّنْيَا دُنْيَاءُ انِ دُنْيَا بَلَاغٍ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ (کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۷). در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، خداوند سبحان می فرماید: وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره/۲۶۰) و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن)، قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)! سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است؛ (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد).»

مولوی در تفسیر اخلاقی - عرفانی از این آیه، این چهار مرغ را در واقع چهار خصلت حرص، شهوت، جاه طلبی و آرزوهای دور و دراز می داند و می گوید اگر این چهار خصلت در وجود انسان حاکم شود، اسباب فتنه را مهیا خواهد نمود:

زنانک این تن شد مقام چار خو	نامشان شد چار مرغ فتنه جو
چار مرغ معنوی راه زن	کرده اند اندر دل خلقان وطن
سر بر این چار مرغ زنده را	سرمدی کن خلق نا پاینده را
بط و طاووست و زاغست و خروس	این مثال چار خلق اندر نفوس
بط حرصست و خروس آن شهوتست	جاه چون طاووس و زاغ امنیتست

۷. **بی بصیرتی:** نیز از عوامل فتنه است. بی بصیرتی، بیشتر محصول نشناختن ولی امر و دوری از عالمان وارسته و رعایت نکردن موازین شرعی، ترک دور اندیشی و عاقبت اندیشی و فراموش کردن یاد خدا است. مولی الموحدین می فرماید: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبْرَأَ (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص: ۱۸۹) یعنی هر که یاد کند خدا را بصیرت یابد. اگر از تجارب تاریخی یا آنچه پیرامون ما می گذرد عبرت نگرفتیم دچار بی بصیرتی خواهیم شد. اگر کسی بطور دائم از آنچه که پیرامونش می گذرد و یا در گذشته به وقوع پیوسته به دیده عبرت نگاه کند به راحتی می تواند به نتیجه جریانات واقف شده و با بصیرتی که پیدا می کند از گرفتار شدن از هلاکت نجات پیدا کند. حضرت علی علیه السلام در این خصوص فرموده اند: فِي كُلِّ اَعْتِبَارٍ اسْتِبْرَاءٌ (همان ص ۴۷۲) در هر عبرت گرفتنی بصیرتی است.

عوامل دیگر

البته فتنه می تواند عوامل دیگری داشته باشد، به عنوان مثال یکی از عوامل ایجاد فتنه عامل خارجی و یا جریان نفوذ است. بیشترین نقش را در فتنه ها جاسوسان و نفوذی های دشمن ایفا می کنند. به استناد اعترافات یکی از جاسوسان سیا در فتنه ۸۸، مدل بر اندازی که آمریکا پیگیری می کند مبتنی بر انتخابات است و از دو سال قبل شروع می شود و با کاندیدا مشخص می گردد و سپس به صورت گلدکوئیستی، عضو گیری انجام می پذیرد و

سپس یک رنگ به عنوان نماد فرد مورد نظر انتخاب می شود و ... (ویژه نامه ۹ دی گریو، دی ۹۳، ص ۶) حتی با وجود این عوامل اگر افراد جامعه از حب جاه و ریاست طلبی و دنیا طلبی و خودخواهی تهی باشند، دشمن و جریان نفوذ راه به جای نخواهد برد.

فرمول تحقق فتنه

تا کنون گفته شد که اگر شرایط و بستر اجتماعی در موقعیت‌های حساس باشد، موقعیت‌های که جامعه را به انبار باروتی تبدیل می کند و با کمترین جرقه امکان شعله‌ور شدن آن وجود دارد، موقعیت‌های مانند جامعه متشنج، هنگامه انتخابات و انتقال قدرت، طبقاتی بودن جامعه، رقابت‌های ناسالم، ضعف دشمن شناسی، جامعه دو قطبی و فساد فراگیر، اگر این موقعیت‌ها با عوامل فتنه همراه شوند، قطعاً فتنه رخ خواهد. اما دامنه این فتنه و نیز عمق و ابعاد آن به شدت وحدت بسترها و عوامل فتنه بستگی دارد.

در واقع فرمول فتنه عبارت است از: (بستر فتنه خیز + عوامل فتنه انگیز = تحقق فتنه).

صفات لازم برای غلبه بر فتنه

از دیدگاه قرآن و روایات و تجربه های تاریخی هیچ کسی از افتادن در دام فتنه در امان نیست مگر اینکه خود را به سلاح لازم مسلح نماید. سلاح لازم برای سربلندی از فتنه‌ها و آزمایش‌ها، سه چیز است:

۱. **بصیرت و دانایی:** روایتی در کنز العمال آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

ستكون فتن يصبغ الرجل فيها مؤمناً ويُمسئ كافراً ألا من أحياه الله تعالى بالعلم (کنز العمال، ح ۳۰۸۸۳؛ میزان الحکمه، ماده فتنه) به زودی فتنه‌های پدید خواهد آمد که بر اثر آنها انسان شب خود را با ایمان به صبح می رساند و روزش را در حالی به شب می رساند که کافر شده است مگر کسانی که خداوند او را با دانش و بصیرت زنده کرده باشد.

۲. **تقوا:** امام علی علیه السلام می فرماید: اعلموا أنّهُ من يتق الله يجعل له مخرجاً من الفتن ونوراً من الظلم. (نهج البلاغه، خ ۱۸۳) بدانید و آگاه باشید که هر کس تقوا الهی در پیش بگیرد، خداوند برای او راه خروج از فتنه‌ها و نوری در تاریکی قرار خواهد داد.

۳. **اخلاص:** اخلاص از تقوا بالاتر است؛ از همین رو پیامبر اسلام می فرماید: طوبی للمخلصین، اولئک مصابیح الهدی تنجلی عنهم کل فتنه ظلماء (میزان الحکمه، ماده فتنه) خوشا به حال مخلصان، آنان چراغهای هدایتند و هر فتنه تاری از آنها بر طرف می شود.

آنچه تا کنون گفته شد، کلیاتی بود که برای ورود در بحث اصلی لازم بود. فرمول تحقق فتنه گفته شد؛ ویژگیهای اخلاقی لازم برای برون رفت از فتنه بیان شد. اکنون بایستی برخی شخصیت های تاریخی را به عنوان نمونه و به منظور مقایسه مد نظر قرار دهیم. در تاریخ اسلام و تشیع دو طیف شخصیت داریم. طیف شخصیت های مثبت که می توانند الگوی اعصار و امصار جامعه اسلامی برای همیشه تاریخ باشند. این طیف شخصیت های ارزشمندی هستند که با رفتار و عمل خود، ارزش ها را عینیت بخشیدند. برخی از اصحاب رسول خدا و شاگردان و یاران ائمه هدی این چنین بودند. سلمان فارسی، مقداد، عمار یاسر، مالک اشتر و... این طیف را نیز باید به عنوان الگوی انقلابیون ثابت قدم و استوار مطرح کرد. طیف دیگر شخصیت های منفی است. طیف ادعای بدون عمل، طیف ناهماهنگی با امام و ولی جامعه اسلامی، طیف دنیا طلبی و زر اندوزی، طیف جاه طلبی سیاسی و انا رجلی گفتن ها. این طیف را کسی به عنوان الگو قبول ندارد، اما بررسی شخصیت و نحوه رفتار و عملکرد آنها در حیات سیاسی شان، پند آموز است. انقلابیون و پیروان مکتب اسلام و دلدادگان به انقلاب باید بدانند که صرف داشتن سابقه یا وابستگی به پیامبر، کافی نیست. باید به حکم آیه شریفه « فاستقم كما أمرت » ثابت قدم و استوار ماند. لذا آنچه ذیلا آورده می شود، در راستای درس آموزی از تاریخ اسلام است.

امیر المؤمنین علی علیه السلام

شخصیت مولی الموحدين (ع) گرچه دارای مقام عصمت و ولایت اند، اما عمل ایشان و سایر معصومین بهترین الگوی برای ما مسلمانان است. علی (ع) خود را بر حق می دانست و بارها، از خلیفه اول و خلیفه دوم در تاریخ نقل

شده است که علی را شایسته تر از خود می دانستند. از جناب ابو بکر روایت شده است که: «هرکس دوست دارد به مردی بنگرد که نزد رسول خدا (ص) عظیم ترین منزلت را داشت و قرابتش نیز به آن جناب نزدیک تر و دخالتش در رفع حوایج آن جناب و بی نیازی خودش از دیگران بیشتر بود به این مرد یعنی علی نگاه کند.» (کنزالاعمال، ج ۱۳، ص ۱۱۵). و جناب عمر نیز در یکی از اقوالش در وصف علی می گوید: «مانند علی کسی حق دارد که تکبر ورزد و به خود ببالد. به خدا سوگند اگر شمشیر او نبود، اساس اسلام استوار نمی شد. و علاوه بر آن او داناترین فرد این امت در امر قضاست و با سابقه ترین و شریف ترین آنان است.» (طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۳۷). بنابراین امام علی (ع) خلافت را حق خود می دانست، خلفا نیز او بهترین و شریف ترین می دانستند، اما در بستر آزمایش و امتحان مصلحت خود را بر مصلحت امت اسلامی مقدم نکرد، و با اینکه ما معتقدیم که اگر امام علی علیه السلام به خلافت پس از پیامبر می رسید و ۲۵ سال خانه نشین نمی شد، سرنوشت بهتری برای اسلام و مسلمین رقم می خورد اما خود حضرت هنگامی که دید اگر بخواهد برای احقاق حق خود بیشتر تلاش کند، اصل اسلام به خطر می افتد و دشمنان خارجی و منافقان کیان اسلامی را از بین خواهند برد، لذا مطالبه خود را، و اعتراض خود را به ضدیت تبدیل نکرد؛ صبر و سکوت را رویه ساخت و حتی به خلفا مشاوره می داد و خود را بخشی از امت اسلامی می دانست و هیچگاه به اپوزسیون نظام اسلامی مبدل نگشت. امروزه کسانی که در نظام اسلامی و در انقلاب اسلامی ایران دارای سابقه و جایگاهی هستند، و یا به بیت بزرگان انقلاب وابسته اند، باید به شخص علی علیه السلام و رفتار و عملکرد ایشان نگاه کنند. در زمان رحلت پیامبر، مساله انتخاب جانشین مطرح شد. در انتخابات در تمام دنیا چون مسأله دست به دست شدن قدرت مطرح است، همواره همراه با التهاب است؛ و قبلا گفته شد که یکی از بستر های فتنه هنگام انتخابات است چون ذات انتخابات و جانشینی حساسیت بالای دارد و قدرت جابجا می شود لذا همراه با التهاب است، حتی هنگام انتخاب خلیفه الهی نیز یک بگو مگو و التهابی میان فرشتگان به وجود آمد و آنان نیز در معرض آزمایش قرار گرفتند و اعتراض کردند اما در مقابل روشننگری الهی، تسلیم شدند و سر بلند بیرون آمدند. اما شیطان گر چه ماهیتش فرشته نبود ولی در رتبه ایشان بود و نتوانست این جانشینی را برتابد لذا فتنه به پا کرد و فتنه وی همچنان ادامه دارد. اما وجود مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسأله خلافت، گرچه مطالبه حق نمود و اعتراض کرد، اما وقتی دید که مصلحت اسلام در

سکوت است و الا اصل اسلام از بین می رود، لذا بقای اسلام ترجیح داد و در آن بستر پیچیده که آبستن فتنه‌های مهلک بود، فتنه انگیزی نکرد.

فریب خوردگان فتنه ۸۸

آنچه در جریان فتنه ۸۸ رخ داد، اگر فریب خوردگان فتنه ۸۸ نیم نگاهی به امام علی(ع) می کردند هیچگاه برای احقاق حق نداشته خود، مصلحت و مصالح نظام و انقلاب را با کشیدن عده ای طرفداران خود به کف خیابان، زیرپا نمی گذاشتند. هیچگاه با ادعای دروغین تقلب، کام مردم و نظام اسلامی را تلخ و دشمنانان انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف خود، خرسند نمی کردند. امام علی با اینکه همه حقانیتش را قبول داشتند، امام وقتی کسی مانند ابوسفیان به امام پیشنهاد اعتراض مسلحانه و قیام بر علیه خلافت داد، جوابی دندان شکن به ابو سفیان داد که من می دانم نیت شما از این پیشنهاد چیست! و هرگز بیعت تو را نخواهم پذیرفت. (نهج البلاغه، خطبه ۵) مگر می شود، کسی خود را انقلابی بداند و با آمریکا و اسرائیل و اپوزسیون خارج نشین و ... متحد شود! روشن است که الگوی این فریب خوردگان نه شخص مولی الموحدين و نه عمار یاسر و نه مالک اشتر است.

عمار یاسر

شخصیت عمار یاسر چنان رفیع است که پیامبر اسلام در وصف ایشان فرموده است: «ان عماراً مع الحق و الحق معه، يدور عمار مع الحق اينما دار و قاتل عمار في النار» (الغدیر، ج ۹، ص ۲۵ / طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۱۸۷) عمار با حق است و حق با او، حق هر جا باشد عمار با اوست. قاتل عمار در آتش است. همچنین فرموده است: «ملئ عمار ايماناً الى مشاشه» تمام وجود عمار، لبریز از ایمان است. عبدالله بن مسعود می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم:

« اذا اختلف الناس كان ابن سميه مع-الحق » (تاریخ ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۷۰) اگر مردم در موردی اختلاف داشتند، فرزند سمیه (عمار) با حق است. شخصیت عمار و استواری عمار در جانشینی و خلافت علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و مقاومت در این راه، از چند جهت قابل ملاحظه است:

۱. پیروی از اسلام و غرق نشدن در گشایش های پس از جنگ های صدر اسلام.

۲. ذوب شدن در اسلام و پیامبر و علی علیه السلام و مشی بر اساس مصالح اسلام مسلمین.

۳. تلاش برای احقاق حق علی علیه السلام.

۴. ماندن در کنار علی علیه السلام و راه و مرام علی بدون خستگی تا سنین کهنسالی و نهایتاً شهادت در رکاب علی علیه السلام.

۵. روشنگری نسبت به حقانیت حضرت علی علیه السلام، و اسیر جو و فضای سیاسی نشدن. به عنوان نمونه در جنگ جمل هنگامی که امام علی ع امام حسن و عمار و تنی چند از یاران را به کوفه فرستاد تا مردم را به لشکر فراخوان نمایند، ابو موسی اشعری مانع شد و گفت من از پیامبر شنیده ام که در زمان فتنه سکوت و بی طرفی پیشه کردن بهتر است. عمار در مقابل سخنان ابو موسی ایستاد و گفت: « من شهادت می دهم که پیامبر نبرد با ناکثین (پیمان شکنان) و قاسطین (ستمگران) را سفارش کرده است.»
(شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۶)

عمار شخصیت مطلوب و یاور همراه امام علی (ع) بود، به گونه ای امام علی در لحظاتی که از یاران چند رنگ خود آزاده خاطر شدند، ندای این العمار ایشان بلند شد. چرا امام این عمار؟ را سر دادند؟ زیرا در فتنه ها حق با باطل مشتبه می شود و برای همین هست که فتنه خوانده می شود. در فتنه حق و باطل خیلی به هم نزدیک هستند، و هر دو سپاه یا گروه ادعای حقانیت دارند، هر دو نماز می خوانند و هر دو قرآن می خوانند و از ارزش های اسلامی سخن می گویند، تشخیص حق و باطل برای کسانی که فاقد بصیرت اند، دشوار خواهد بود. لذا آنچه که مهم است این است که حق از باطل تشخیص داده شود. و نقش عمار و عمارها اینجا روشن می شود. عمار یعنی هر کسی که با پیشوا و رهبر اصلی جریان، ارتباط داشته و سابقه دارد، ریشه دارد، علم و اطلاع دارد و می داند که حقیقت چیست و به خاطر مصالح دنیوی دم فرو نمی بندد. عمار یعنی یارانی که حقانیت علی را می دانند و روشنگری می کنند. در فتنه ۸۸ مقام عظمای ولایت ندای این عمار را به همین منظور بیان فرمودند: «یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود؛ چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همینی که حالا امروز به آن جنگ روانی می گویند. یکجا می دید اختلاف پیدا شده، یک عده ای دچار تردید شدند، بگومگو توی

آنهاست، خودش را به سرعت آنجا می‌رساند و برایشان حرف می‌زد، صحبت می‌کرد، تبیین می‌کرد؛ این گره‌ها را باز می‌کرد. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. خدای متعال، این مرد را از زمان پیامبر(ص) برای زمان امیر(ع) ذخیره کرد، تا در این مدت به روشنگری و بیان حقایق پردازد.»

در سال ۸۸ عده‌ای از خواص فریب خوردند و عده‌ای دیگر که حق را می‌دانستند، به خاطر منافع و مصالح شخصی یا حزبی نه راه عمار بلکه راه زبیر و طلحه را در پیش گرفتند. حقایق را می‌دانستند اما ابراز نمی‌کردند. در جلسات خصوصی خود می‌گفتند که در جمهوری اسلامی امکان تقلب با بسامد یازده میلیون رای امکان ندارد، اما هنگام مواجهه با مردم کتمان حقیقت می‌کردند.

زبیر

شخصیت زبیر، شخصیتی بارز و شاخص در اسلام است. حواری و پسر عمه رسول خداست، مادرش صفیه، دختر عبدالمطلب بود؛ زبیر یکی از ده نفری است که پیامبر وعده بهشت به آنها داده است، و یکی از اصحاب شورای شش نفره خلیفه دوم است که به امام علی(ع) رای داد. پیامبر درباره ایشان فرموده اند که در روز جنگ بدر فرشتگان با قیافه‌ی زبیر نازل می‌شدند؛ و خلیفه دوم زبیر را رکنی از ارکان دین می‌شمردند. (ابن حجر العسقلانی، الإصابه، ج ۲ ص ۲۱۳-۲۱۶). زبیر خدمات بسیار زیادی به اسلام ارائه داد اما همین زبیر در بستر فتنه یعنی در هنگامی علی علیه السلام به حکومت رسید، زبیر سهم خواهی کرد. زبیر می‌خواست که علی علیه السلام بخشی از حکومت را به وی بسپارد. حکومت بصره یا کوفه یا شام و یمن! اما امام به او اعتماد نداشت. اینجا بستر فتنه وجود داشت و زبیر هم جاه طلبی و ریاست طلب بود، ریاست طلبی هم خود عامل فتنه است و درعین حال فاقد بصیرت و تقوا سیاسی و اخلاص بود، لذا نتوانست خود را از دام فتنه برهاند. زبیر بر طبل مخالفت کوبید و تا روز جنگ جمل و هنگامی که علی(ع) زبیر را قسم داد که آیا از پیامبر شنیدی که: «ای زبیر تو با علی خواهی جنگید در حالی که نسبت به علی ستمکار هستی!»؟ زبیر پاسخ داد: آری شنیده‌ام ولی تا الان [یعنی کوران نبرد جمل] یادم نبود، و از آن لحظه به بعد، از ادامه جنگ انصراف داد، و البته در نقطه‌ای خارج از میدان جنگ، در حال استراحت بود که توسط شخصی به نام

ابن جرّموز به قتل رسید. (ابن حجر العسقلانی، الإصابة، ج ۲، ص ۲۱۶) انصراف زبیر البته دیر هنگام بود، وی تمام تلاش خود را برای شکست امام علی (ع) انجام داده بود و در این جنگ نزدیک بیست هزار نفر کشته شدند. (رسول جعفریان، تاریخ خلفا، ج ۲، ص ۲۶۸) و هزینة سنگینی بر امت اسلام وارد کرد.

در مورد شخصیت زبیر سه عامل از عوامل فتنه وجود داشت:

۱. جاه طلبی

۲. دنیا طلبی

۳. اولاد

اما یکی از عوامل فتنه انگیزی زبیر در کلام امام علی علیه السلام چنین آمده است: «مَا زَالَ الزُّبَيْرُ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ ابْنَهُ الْمَشْتُومَ عَبْدَ اللَّهِ فَأُفْسِدَهُ». یعنی «زبیر همواره مردی از ما اهل بیت بود تا آنکه پسر نا مبارکش عبد الله به جوانی رسید و او را فاسد کرد». (قاموس الرجال، ج ۵، ص ۴۴۹)

نگاهی به نقش آقا زادگان در فتنه ۸۸

اسلام و در صدر آن در مورد آقازادگی ورود پیدا کرده اند. در قرآن کریم در این خصوص چندین آیه آمده است: قابیل، فرزند نوح(ع) و نیز فرزندان یعقوب(ع) از طیف منفی و هابیل، اسماعیل (ع)، یوسف (ع) و نیز سلیمان(ع) از طیف مثبت از جمله آقازاده‌های مطرح شده در قرآن هستند؛ این افراد گرچه ممکن است مشمول اصطلاح آقازادگی سیاسی امروزه نشوند، اما یقیناً در خصوص نحوه تعامل با آنها می توان از قرآن کمک گرفت.

در مورد فرزند نوح می فرماید: «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنُ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (هود/۴۵-۴۷) و «نوح پروردگار خود را خطاب قرار داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی؛ خداوند فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی؛ نوح گفت پروردگارا

من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم.» این آیه شریفه چند نکته را به زیبایی به تصویر کشیده است:

۱. فساد آقازاده

۲. نحوه برخورد پدر با فرزند

۳. منطق قرآن در خصوص آقازادگی

۴. نحوه برخورد نوح با دستور خداوند متعال را

آنچه مهم است، منطق قرآن در برخورد آقازاده‌هاست. قرآن کریم می‌فرماید که اگر آقازاده‌ای، با مرام و مقصد صحیح و مشروع پدرش هماهنگ نبود، آن شخص اهلیت خود را از دست داده است. نوح پیامبر خداست و در راستای شریعت و خدا و نماز و از همه مهمتر توحید، قدم بر

می‌دارد، اما فرزند وی در این مسیر نیست؛ قرآن کریم با صراحت و منطق قوی می‌فرماید که وی با تو قرابتی ندارد و اهلیت تو را ندارد، اعمال او متناسب با شما نیست. و برخورد نوع علیه السلام نیز فوق العاده ستودنی است. نوح از فرزند خود دفاع نمی‌کند بلکه از خداوند سبحان به خاطر درخواستش نسبت به پسرش عذرخواهی می‌کند.

یاران امام راحل به حق از بهترین یاران و وفادارترین انسان‌های هستند و بودند که تاریخ می‌شناسد. ایمان به امام و اهداف امام و تحمل سختی‌ها و شکنجه‌ها و تبعیدها برای رسیدن به اهداف بلند امام عظیم‌الشان وصف عمده این بزرگواران است. و همه ما نسل‌های دوم و سوم و نسل‌های بعدی انقلاب اسلامی مدیون زحمات ایشان هستیم. اما در این بین لطمه‌ها و هزینه‌های جدی و سنگینی از سوی بیوت وابسته به بزرگان، و برخی از آقازاده‌های مسئولین نظام بر نظام اسلامی وارد شد. در زمان امام راحل وابستگان بیوتی مانند بیت منتظری و بعد از رحلت امام(ره) نیز برخی از آقا زاده‌ها برای نظام هزینه ساز شدند. و شاید اگر مشی سیاسی و اقتصادی و از همه مهمتر سبک زندگی این آقازاده‌ها متأثر از امام و آرمان‌های امام و یاران امام بود، نظام مقدس جمهوری اسلامی، هرگز با فتنه‌ای مانند فتنه ۸۸ مواجهه نمی‌شد. زیرا اگرچه فتنه ۸۸ برنامه ریزی شده و از قبل آماده شده بود اما خیلی از گفته‌ها در نطق‌های انتخاباتی، و بازتاب‌های آن‌ها و نیز عملکردها و فعالیت‌ها، متأثر از

آقازاده ها به وقوع پیوست. این آقازاده‌ها بر میزان شعله‌ی فتنه افزودند و به آن دامن زدند و برخی از ایشان میدان دارفته بودند. در واقع فتنه ۸۸ جولانگاه برخی از این آقازاده‌ها بود.

درست به همین دلیل است که خلف صالح امام حضرت امام خامنه‌ای، فرزندان خود را از فعالیت اقتصادی و نیز از فعالیت در احزاب و فعالیت‌های سیاسی خاص منع کرده‌اند. چون آقازادگی یکی از عوامل فتنه انگیزاست که درجه حساسیت بالایی دارد. زبیر از اهل بیت بود و با ایشان هم رای و هم فکر بود تا زمانی که عبدالله بن زبیر وارد عرصه شد و سبب شد که زبیر از راه ولایت منحرف گردد.

طلحه فیاض

طلحه پسر عبدالله، یکی از عشره مبشره است (ده نفری که خدا به آنان بشارت بهشت را داده است). طلحه یکی از هشت نفری است که سبقت در اسلام دارند و از سایر مسلمانان زودتر ایمان آوردند. طلحه یکی از شش نفری است که جناب عمر در شواری شش نفره تعیین خلیفه معرفی کرد. در جنگ احد شخصاً به دفاع از پیامبر پرداخت و با دست خود، مانع اصابت تیر به پیامبر شد، به گونه‌ای که انگشت وی شل شد. طبق برخی روایات پیامبر به وی لقب فیاض عطا کردند. (العسقلانی، الإصابه، ج ۳، ص ۸۴-۸۷). طلحه در قتل جناب عثمان نقش پر رنگی داشت و این نقش چنان پر رنگ بود که در جنگ جمل، مروان که با طلحه در یک جبهه بود، از پشت او را نشانه گرفت و مورد اصابت تیر قرار داد و نهایتاً به قتل رسید؛ مروان علت هدف قرار دادن طلحه را نقش وی در قتل عثمان یاد کرد (ابن حجر العسقلانی، الإصابه، ج ۳، ص ۸۷) اما هنگامی که امیر المؤمنین حکومت را به دست گرفتند، طلحه نیز خواستار سهم شد. امام علی علیه السلام در پاسخ ایشان فرمود: «آنچه خدا نصیب شما فرموده است به آن راضی باشید، تا من در این موضوع بیاندم. آگاه باشید که من افرادی را برای حکومت می‌گمارم که به دین و امانت آنان مطمئن و از روحيات آنان آگاه باشم» (جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۳۶۸). وقتی طلحه از امام علی نا امید شد، با خروج از مدینه بیعت خود را شکست. هنگامی که خانه امام علی را ترک کرد، امام فرمود: «می بینم که آنان (طلحه و زبیر) در فتنه‌ای کشته می شوند» (همان). در مورد طلحه گرچه عامل فرزند مانند زبیر نقش نداشت اما دو عامل دیگر از عوامل فتنه باعث شد که طلحه در بستر فتنه خیز تقسیم و سهم خواهی، زمین خورده و از صراط مستقیم زاویه بگیرد. نخست: دنیا طلبی طلحه و دوم: ریاست طلبی وی.

در فتنه ۸۸ نیز یکی از عوامل اصلی شعله‌ور شدن فتنه، جاه طلبی کاندیداهای فریب خورده بود. گرچه منظور از فریب خوردگی عوامل فتنه، این نبود که همه این افراد برنامه‌ای برای ایجاد فتنه نداشتند، بلکه در مصاحبه‌ها و نامه‌ها و کتاب‌های که اصحاب فتنه نوشته‌اند، به وضوح می‌توان یافت که حوادث نزدیک به انتخابات و بعد از انتخابات تا روز ۹ دی، اتفاق نبود، بلکه برنامه بود. میر حسین موسوی در یکی از بیانیه‌های خود بعد از حادثه روز عاشورا ۸۸، اراذل و اوباشی مزدوری که به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام اهانت کردند و نیز بر علیه اصل جمهوری اسلامی و ولایت فقیه شعار دادند، را «مردم خداجوی» نامیدند، و این نمی‌تواند اتفاقی باشد.

نمی‌توان قبل از ایام انتخابات نامه‌ای بدون سلام به رهبر انقلاب اسلامی نوشت و در آن از شعله‌های برافروخته سخن گفت و در عین حال وقایع فتنه را تصادفی و اصحاب فتنه را فریب خورده دانست. مقصود ما از فریب خورده، این است که این افراد از نفس جاه طلب و شیطان سرکش درون و نیز از شیطان بزرگ و ایادی صهیونیستی آن فریب خوردند. اصحاب فتنه در بستر انتخابات و جایگزین شدن دولتی به جای دولت دیگر که نوعاً ملتهب و فتنه خیز است، لغزیدند و دچار ریزش شدند و عامل آن چیزی نیست جز خود خواهی و ریاست طلبی اصحاب فتنه.

ابو موسی اشعری

نام ابوموسی اشعری، وی از قبیله «اشعر» و اهل یمن بود. ابوموسی اشعری در سال‌های آغازین اسلام از یمن به مکه آمد و با سعید بن عاص پیمان بست و حلیف او شد. ابو موسی در مکه مسلمان شد، به یمن بازگشت و تا سال ۷ هجری در یمن ماند. ابوموسی از سوی رسول خدا مأمور جمع آوری زکات مردم زبید و عدن شد و پس از رحلت رسول خدا در فتوحات ایران و شام شرکت کرد. او که از فرماندهان سپاه مسلمانان به شمار می‌رفت، از سوی عمر حاکم بصره شد، اما عثمان او را عزل کرد. از آن پس ابوموسی برای زندگی به کوفه رفت و در سال‌های پایانی خلافت عثمان به درخواست مردم کوفه، به جای سعد بن عاص حاکم کوفه شد. در آغاز حکومت علی علیه السلام نیز بر این سمت باقی بود. امام به او دستور داد مردم کوفه را برای رویارویی با سپاه ناکثین (در جنگ جمل) بسیج کند، اما ابو موسی به این بهانه که این کار فتنه‌انگیزی است از اطاعت امام خودداری کرد، و حتی از مردم خواست به کمک هیچ گروهی نشتابند تا از فتنه به دور باشند. حضرت علی علیه السلام نیز او را عزل کرد.

در ماجرای حکمیت در جنگ صفین با اصرار گروهی از یاران فریب‌خورده‌ی حضرت علی (ع)، نماینده سپاه امام شد و با نیرنگ عمرو عاص، علی (ع) را از حکومت خلع کرد. از این رو ابوموسی در جریان حکمیت خیانت بزرگی در حق امام علی (ع) و دیگر یاران آن امام کرد و مستحق نفرین‌های حضرت علی (ع) گردید. (اسدالغابه، ج ۶، ص ۳۰۶ و ج ۳، ص ۳۶۷) (قاموس الرجال، ج ۶، ص ۵۵۷) به نظر می‌رسد که ابو موسی اشعری که در بستر فتنه خیزی مانند اتخاذ تصمیم در یاری رساندن به امام در جنگ جمل و نیز در مسئله حکمیت، از امتحان و آزمایش سربلند بیرون نیامده بود، بیشتر تحت تاثیر عامل بی بصیرتی ایشان بود.

جنس متفاوت اصحاب فتنه ۸۸

در فتنه ۸۸ گروه‌های مختلفی نقش داشتند. از نفوذی‌ها و ایادی استکبار تا فرقه‌های ضاله مانند بهائیت و تا احزاب منحل مانند طرفداران و سردمداران حزب مشارکت و احزاب سکولار و .. در این میان عده‌ای از اصحاب فتنه از سنخ ابو موسی اشعری بودند. یعنی ساده لوحانی که نظام اسلامی را قبول داشتند و حتی هم اکنون نیز ممکن است قبول داشته باشند، اما از بس ساده لوح و فاقد بصیرت سیاسی هستند، ندانستند که عمرو عاص‌های زمان دارند از حماقت سیاسی آنها استفاده می‌کنند و در واقع از ایشان به عنوان سپاه لشکر استفاده می‌کنند. جنس کروی به عنوان یکی از اصحاب فتنه ۸۸ از سنخ ابو موسی اشعری است. کروی تا قبل از انتخابات هم بازی میرحسین و خاتمی و دیگر بازیگران فتنه نبود، اما به دلیل تحریک‌ها و رفتارهای حرفه‌ای طیف اصلاحات، وی را با خود همراه کردند و در واقع کروی در بستر انتخابات و نیز از ساده لوحی و بی بصیرتی خود نسبت به اوضاع واحوال سیاسی ضربه خورد. اما نسبت به بعد از انتخابات و در جریان تونسوزه کردن ایران در سال ۱۳۸۹ که علت اصلی حصر است (عبدالله گنجی، سایت تحلیل ایران، ۱۰/۸/۹۵) ایشان هم نقش داشت.

نقش حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در مدیریت بحران برخاسته از فتنه ۸۸

به اعتراف عوامل خارجی فتنه ۸۸ و ایادی داخلی ایشان و به استناد به مصاحبه‌ها، بیانیه‌ها و نامه‌های سر گشاده و نیز نوع شعارها مطرح شده در تظاهرات و پشتیبانی‌های استکباری از آنها، و کتاب‌های که امثال حجاریان به عنوان تئورسین اصلاحات نوشته‌اند، هدف از فتنه ۸۸ چیزی جز ایجاد تغییر ماهوی در نظام اسلامی و دست کم

فرو کاستن نقش ولایت فقیه تا سرحد یک مقام تشریفاتی مانند ملکه انگستان نبود. در این بین اگر نبود رهبری و مدیریت بحران مقام عظمای ولایت و نیز حضور مردم در ۹ دی قطعاً، فتنه گران به اهداف خود می رسیدند. از آنجا که رهبر معظم انقلاب با بصیرت الهی و هوش سرشار و نیز تجربه گران بهای خود به نقشه دشمن پی برده بودند، لذا برخی از خطوط مدیریتی ایشان مدتها قبل از برگزاری انتخابات آغاز شده بود؛ برخی دیگر از خطوط مدیریت بحران اما بعد از تحقق فتنه و به تناسب اقدامات اصحاب فتنه بعد از انتخابات محقق شد.

خطوط اصلی این مدیریت عبارتند از :

۱. هشدار دادن مکرر نسبت به شبهه افکنی و ایجاد تردید نسبت به سلامت انتخابات:

رهبر انقلاب از مدت ها قبل از انتخابات به خصوص در سخنرانی اول فروردین ۱۳۸۸ در مشهد مقدس، در اولین تذکرات در باب انتخابات پیش رو، با تیز بینی کسانی که تا آن لحظه هنوز به صورت رسمی کاندیدای انتخابات نشده بودند را از طرح شبهه تقلب در انتخابات بر حذر داشتند و نسبت به زیر سؤال بردن سلامت انتخابات هشدار دادند.

۲. ترسیم نقشه دشمن در آستانه ی انتخابات:

معظم له در سخنرانی های متعدد در این زمینه نکات مهمی را در مورد اهداف دشمن در انتخابات فرمودند و نیروهای انقلابی را نسبت به آن هوشیار نمودند. رهبر معظم انقلاب در همین راستا خطاب به نامزدها فرمودند که مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. همچنین فرمودند که نامزدها رقابتها را منصفانه کنند، منصفانه سخن بگویند و اذهان عمومی را تخریب نکنند.

۳. اهمیت بخشی به مشارکت مردم در انتخابات:

در بسیاری از سخنان رهبر انقلاب پیش از انتخابات می توان به وضوح دعوت و تشویق ایشان مبنی بر حضور حد اکثری و پر شکوه مردم در انتخابات را مشاهده کرد. امید بخشی به مردم و احزاب و ایجاد فضای اعتماد به رای مردم از جمله نقاط قوت در عملکرد ایشان قبل از انتخابات بود.

۴. اشراف بر استراتژی دشمن و رسانه‌های بیگانه و معاند

ایشان ضمن تبیین جریانات و تحرکات استکباری و رسانه‌های آن‌ها عنوان نمودند که: «امروز دنیای استکبار روی نقاط قوت ملت‌ها متمرکز شده، تا آنها را از بین ببرد. البته یک جاهایی موفق می‌شوند، یک جاهایی هم موفق نمی‌شوند. از جمله‌ی جاهایی که به حول و قوه‌ی الهی موفق نشدند و موفق نخواهند شد، ملت ایران است.»

۵. تاکید بر فصل الخطاب بودن قانون:

اصحاب فتنه در برنامه ریزی‌های خود با سیاست فشار از پایین و چانه زنی دربالا، قصد داشتند نظام را به عقب نشینی در مقابل خواسته‌های خود وادار نمایند. و اگر نظام به خواسته‌های ناحق آنان تن می‌داد، بدون شک ادعای تقلب مطرح شده از سوی اصحاب فتنه را تحویلا و عملا پذیرفته بود؛ لذا مقام معظم رهبری با هوشیاری و درایت تمام با فصل الخطاب قرار دادن قانون، نقشه فتنه‌گران را بر آب کردند. موافقت با درخواست مهلت بیشتر (۵ روزه) برای بازرسی آراء ماخوذه، نیز در راستای فصل الخطاب قرار دادن قانون به شورای نگهبان ابلاغ شد.

۶. تاکید بر اعتبار دستگاه‌های قانونی

اصحاب فتنه چندین دهه گذشته همواره نوک پیکان خود را متوجه ساختار شورای نگهبان و فقهای عضو این شورا نموده‌اند. و حال آنکه از دیدگاه رهبری این ساختار بسیار مهم و تاثیر گذار است. « اعتبار شورای نگهبان، اعتبار قانون است مساله شورا نگهبان در قانون اساسی کشور ما، یک مساله بسیار مهم و بزرگ و منحصر به فرد است. هم وظیفه تشخیص موافقت قوانین مجلس با شرع مقدس و با قانون اساسی ، بسیار وظیفه بزرگی است که اگر این وظیفه نباشد، ادامه اسلامی بودن و شرعی بودن حکومت به هیچ وجه تضمین ندارد - این، آن نقطه حساسی است که تضمین کننده ادامه حیات اسلامی این نظام است... نظر شورا ی نگهبان فصل الخطاب است و اعتبار نظر شورای نگهبان، هم وزن اعتبار اصل قانون اساسی است. (سخنرانی ۸۶/۴/۲۰ در دیدار با شورای نگهبان) و بعد از جریان فتنه کمترین تغییر در ساختار و حتی در جایگزینی افراد، به منزله عقب نشینی در مقابل فتنه‌گران محسوب می‌شد.

۷. تاکید بر جدا کردن صف خود از دشمن

عوامل فتنه گر می‌خواستند که از ظرفیت دشمن نیز استفاده کنند؛ لذا با دشمنان خارجی و داخلی هم صدا شده بودند و این باعث شده بود دشمن و رسانه‌ها و بنگاه‌های خبر پراکنی آنها نوعی اعتبار و وثاقت پیدا کنند. رهبر معظم انقلاب در این خصوص هشدار می‌دهند: «دستهای دشمن را ببینید... گرگهای گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.»

۸. ناکام گذاشتن استراتژی‌های گوناگون اصحاب فتنه

در فتنه ۸۸، طراحی تظاهرات و هزینه کردن برای کشاندن هواداران به کف خیابان در واقع اجرای راهبرد فشار از پایین چانه زنی دربالا برای رسیدن به مقاصد فتنه بود. تاکید های مکرر رهبر معظم انقلاب بر فصل الخطاب بودن قانون، یکی از گام‌های مهم در ناکام گذاشتن فتنه گران بود.

۹. روشنگری عمومی برای جلوگیری

در خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد، رهبر معظم انقلاب حقایق مهمی را در خصوص حماسه بزرگ و ۴۰ میلیونی ۲۲ خرداد، و جریان شناسی آن و مناظره‌های انتخاباتی و سیاه نمایی برخی کاندیداها و دفاع از حق برخی از افراد که در مناظرات در حق ایشان اجحاف شد و فصل الخطاب بودن قانون ایراد فرمودند که در مدیریت این آشوب پیچیده نقش به‌سزایی ایفا نمود.

نقش مردم در پایان دادن به فتنه

برای بررسی نقش مردم در پایان دادن به فتنه ۸۸، باید ابتدا به آثار و آسیب‌های این فتنه اشاره‌ای داشته باشیم تا بتوانیم درک کنیم که چرا مردم قیام کردند و بساط فتنه را برچیدند. پیامدهای فتنه ۸۸ بسیار زیاد و با ابعاد گوناگون است. فتنه هم در عرصه خارجی و هم در عرصه داخلی به مصالح و منافع نظام صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرد. هم از لحاظ سیاسی هم از لحاظ اقتصادی هم افزودن تحریم و... اما علاوه بر این امور در جریان فتنه پیامدهای دیگر رخ داد که به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. حرمت شکنی نسبت به مقدسات

انقلاب اسلامی ایران همچون مردم مسلمان ایران با اهل بیت عصمت و طهارت (ع) مخصوصا با دستگاه ابا عبدالله الحسین (ع) ارتباط تنگاتنگی دارد. انقلاب با محرم شروع شد و با محرم تداوم یافت و با محرم به مقصد خواهد رسید. انقلاب اسلامی از امام حسین و محرم و صفر جدایی ناپذیر است. یکی از پیامدهای فتنه بی حرمتی به عاشورا و نمادهای عاشورای بود. همین عامل هم در برانگیختن مردم و کشاندن آنها به صحنه ۹ دی بسیار تاثیر گذار بود.

۲. حرمت شکنی و بی احترامی به ساحت ارکان و آرمان‌های انقلاب

انقلاب ما انقلابی است که از دل دین و مذهب تشیع به دست آمده است. آرمان‌های آن آرمان‌های دینی و ارکان آن دارای هویت دینی هستند؛ بنابراین هر گونه نفی ارکان انقلاب یا آرمان‌های آن در واقع بی حرمتی به آرمان‌های برآمده از دین است. در دوران فتنه شعارهای مانند مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر اصل ولایت فقیه و نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران، بخشی از بی حرمتی‌های فتنه گران نسبت به ساحت انقلاب و ارزشهای آن بود.

۳. وطن فروشی فتنه گران و هم صدایی با دشمن

فتنه ۸۸ باعث شد که اصحاب فتنه در داخل کشور حامدانه یا کورکورانه با دشمن و خواسته‌های آن هماهنگ و هم صدا شوند. سران استکبار جهانی از سران فتنه در ایران، حمایت می کردند. و اینان نیز از دشمنان تبری نمی جستند؛ و این عامل نیز خشم مردم را برانگیخته بود.

۴. زمینه سازی برای ناامنی و اغتشاش

۵. ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی از درون

۶. ضربه به ملت و تلخ کردن کام مردم پس از شادی بزرگ

۷. نابود کردن حادثه ی افتخارآمیز انتخابات ۸۸

۸. هتک آبروی نظام در مقابل ملت ها

۹. در معرض تهمت قرار دادن نظام اسلامی

۱۰. تمکین نکردن به رأی مردم و خدشه وارد کردن به آن
۱۱. تلاش برای تغییر نتایج قانونی انتخابات با زور و خشونت
۱۲. اردو کشی خیابانی
۱۳. امیدوار کردن جبهه دشمن
۱۴. بی بصیرتی و تداوم غفلت و چشم بستن بر روی حقایق
۱۵. سرپیچی از راه حل معقول و قانونی
۱۶. بازیچه دست دشمن شدن
۱۷. دعوا راه انداختن و مضطرب کردن ملت و آتش زدن اماکن عمومی
۱۸. تمکین نکردن در برابر قانون و تبدیل آن به یک رویه
۱۹. شاد کردن دشمن و امیدواری دادن به دشمن برای بر اندازی نظام از درون
۲۰. دو قطبی کردن جامعه و قرار دادن آن در لبه پرتگاه

اینها بخشی از آسیب‌های فتنه ۸۸ است که اصحاب فتنه به خاطر جاه طلبی و خود خواهی و دنیا طلبی‌های خود و نیز غفلت از طرح و برنامه سیستماتیک دشمن و ساده لوحی توأم با نسنجیدگی رفتار، بر نظام و مردم تحمیل کردند.

دست قدرت الهی در یوم الله ۹ دی

انقلاب اسلامی ایران مردمی ترین انقلاب در جهان معاصر است. انقلابی که رهبران آن از بطن مردم هستند و تحقق آن با حضور مردم به وقوع پیوسته است. مردم نظام اسلامی را با جان دل دوست دارند و آن را از خود و خود را از نظام می دانند. برای دفاع از آن سختی های بسیاری تحمل کرده اند. هشت سال جنگ تحمیلی و نابرابر را به دفاع مقدس و الهی تبدیل کردند و در این راستا صدها هزار شهید و جانباز تقدیم انقلاب و اسلام کردند. مردم ایران آرمان های انقلاب را بر آمده از دل قرآن و سنت می دانند و به آنها عشق می ورزند. اهل بیت (علیهم السلام) جزو مقدسات مردم این مرز و بوم بوده و خواهد بود. به امام حسین عشق می ورزند و با نام و یاد و

نمادهای آن زندگی می کنند. به امام راحل و عظیم الشان خود تنها به عنوان یک رهبر سیاسی نگاه نمی کنند بلکه آن نایب الإمام می دانند و دستورات وی را واجب الإطاعة می دانند. اصل ولایت فقیه را بر آمده ازدل قرآن و سنت و رکن فقه عظیم شیعه می دانند. یاری رساندن به مسلمانان و مظلومان عالم را وظیفه هر مسلمانی قلمداد می کنند. به رهبر فرزانه و حکیم خود با تمام وجود عشق می ورزند و تمام قد به فرامین الهی ایشان توجه دارند. از تجارب گذشته خود یاد گرفته اند که به دشمن و ایادی آن اعتماد نکنند. عبرت‌های تاریخ را از دیرباز و حتی بسیار قبل‌تر از کودتای ۲۸ مرداد در خاطر دارند. ملتی بزرگ و فهیم و صلح جو هستند و به لحاظ سابقه تمدنی از هرج و مرج و قانون گریزی مخصوصا اگر در قالب آشوب و اغتشاش روی دهد، نفرت دارند. دست آخر ملت مسلمان و انقلابی ایران مردمی غیور و وطن پرست هستند. تمام این ویژگی‌ها سبب شد که سیل خروشان ملت دهن کجی‌های مکرر فتنه گران را بر نتافته و بعد از دعوت شورای هماهنگی تبلیغات میلیون‌ها زن و مردم مسلمان از طیف‌های گوناگون، خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای بزرگ و کوچک ایران به محلی برای لرزه انداختن بر تن فتنه گران و حامیان نادان و ناتوان ایشان تبدیل کنند.

۱. قیام ۹ دی که قیامی به موقع و بجا بود که با هیمنه‌ی خود بساط فتنه گران را در هم پیچید. رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای از آن به عنوان تجلی قدرت خدا یاد کرد. و این چنین مردم انقلابی بار دیگر نقش بی بدیل خود را در تاریخ انقلاب ثبت نمودند.

۲. قیام ۹ دی در روز غیر تعطیل و در ساعت ۳ بعد از ظهر آغاز گردید که این امر به طور طبیعی باعث می‌شود که بسیاری از خانواده‌ها و کسبه و ... توان حضور نداشته باشند اما با این وجود جمعیت میلیونی به خیابان آمده چهره و جلوه شهر را عوض کرده بود.

۳. شعارهای مردم انقلابی در ۹ دی حائز اهمیت است: این شعارها بیانگر ماهیت آن است. بالاخره حرمت شکنی‌های مکرر و جسارت‌های توأم با ایجاد آشوب و اغتشاش و نا امنی در جامعه سبب شد تا مردم یک بار دیگر غیرت خود را به نمایش بگذارند و با شوری وصف ناپذیر که یاد آور روزهای آغازین انقلاب بود به صحنه بیایند و بساط فتنه و فتنه گران را برچینند. می توان از شعارهای پر از شعور مردم انقلابی به ماهیت سیاسی شعارها و داشتن بار معنایی زیاد که بیانگر علت خروش آنهاست پی برد. به همین منظور برخی از شعارهای مطرح شده را یاد آوری می‌کنیم: «در ظهر عزا حرمت ارباب شکستند علمدار

کجایی، این فتنه گران راه عزاداران تو بستند علمدار کجایی»، «جمهوری اسلامی شعار مسلمین است، جمهوری ایرانی حرف منافقین است»، «خامنه ای کیست علی زمان، مرگ بر این خوارج نپروان»، «به کوری منافق، بسیجی بیدار است، برای هر بسیجی شهادت افتخار است»، «ما منتظریم تا علی اذن دهد، چشم سران فتنه را کور کنیم»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر منافق» «حرف ما و یک کلام، محاکمه و السلام» و دهها شعار پر مغز و رسایی که بیانگر ماهیت قیام ۹ دی و علت به خیابان آمدن آنهاست.

۴. خود جوش بودن این حضور گسترده یکی دیگر از ویژگی تظاهرات مردمی ۹ دی است. تقریباً هیچ نهادی از نهادهای رسمی و انقلابی غیر از شورای هماهنگی تبلیغات مردم را به حضور دعوت نکرده بود. در واقع معنای چنین حضوری چیزی نیست جز ترکیدن بغض مردم از جسارتها و حرمت شکنیها و وطن فروشی و هم صدایی فتنه گران با دشمنان.

۵. میزان حضور بسیار زیاد مردم به گونه‌ای بود که دوستان را واقعا خوشحال و دشمنان را اعم از دشمنان خارجی و ایادی داخلی شان نا امید کرد. حضوری که رسانه‌های معاند هم با تمام تلاش خود برای کم رنگ جلوه دادن آن، نتوانستند عظمت و گستردگی ابعاد آن را نادیده بگیرند بلکه به عظمت آن اعتراف کردند.

۶. حضور مردم در صحنه، پیام دیگر این نمایش قدرت کم سابقه بود. مردم نشان دادند که این انقلاب تا زمانی که پیوند خود را با مردم حفظ کند هیچ توطئه و توطئه‌گری نمی تواند به کیان آن ضربه‌ای وارد کند. مردم یار و یاور انقلاب و کلید حل بحران‌های تحمیل شده بر آن هستند.

۷. نهم دی یوم الله است. چون خداوند متعال قدرت خود در قالب حضور مردم به رخ استکبار و شیاطین جهانی کشید و بار دیگر پوزه آنان به خاک مالیده شد.